

در طی سال ۱۴۰۰ اعضای کارگروه کتاب روشهای تفکر، کتاب را مطالعه کرده و بر اساس خط مشی هایی که استاد اخوت برای تدریس کتاب تعیین فرمودند، پیشنهادهای را برای ارائه هر درس داده اند.

نکاتی در مورد ارائه درس ۱ و ۱۲

پیشنهاد میشود درس اول برای مخاطب ارائه نگردد و جلسه اول کلاس با خوانش سوره مبارکه علق شروع شود. بنظر میرسد اگر مخاطب با مفهوم تفکر، در عمل و در مواجهه با سوره آشنا شود موثرتر خواهد بود تا اینکه مربی درس یک را در کلاس ارائه دهد. در واقع مربی باید با ارائه این مفهوم در قالب فهم مطالب سوره، این نیاز را در مخاطب فعال کند که خودش به درس یک مراجعه کرده و سوالاتش را مطرح نماید.

پیشنهاداتی برای ارائه سوره مبارکه علق :

۱. طرح اول (تعداد جلسات ارائه این طرح متفاوت است): ارائه خوانش های متعدد و متنوع از سوره که هر خوانش سبب انس بیشتر و فهمی دقیق تر از سوره خواهد شد:

- خوانش اول: پخش صوت سوره (شنیدن سوره در فهم آن، موضوعیت دارد)
- خوانش دوم: یک دور از روی سوره خوانده شود و به نکاتی برگرفته از تفسیر، جهت ارائه دیدی کلی از سوره اشاره شود. در این خوانش توصیه میشود دسته بندی و نظم دهی به موضوعات سوره هم انجام شود تا ذهن مخاطب نسبت به سوره نظم پیدا کند.
- خوانش سوم به بعد: از این خوانش به بعد با طلوع های کتاب همراه میشویم. و در هر دور سوره را با توجه به موضوع معرفی شده در هر طلوع میخوانیم (قالبها، پس زمینه، واژه و ..)

چند نکته را در حین این خوانشها باید مدنظر داشت:

سعی گردد نحوه ارائه ها به صورت مباحثه ای باشد و سوالاتی از مخاطب پرسیده شده و از او خواسته شود که سوال کند. به برخی سوالات پاسخ داده شود و سوالاتی را که در خوانش های بعدی پاسخ یافت میشود را نگه داشته و آنجا پاسخ داده شود. اینگونه مخاطب نقش روشها را در فهم سوره درک میکند.

جهت حضور پررنگ تر مخاطب در فضای مجازی فایل کتاب نمایش داده شده و گاهی از روی کتاب خوانده شود تا مخاطب ترغیب به مطالعه کتاب شود.

- پس از ارائه خوانش های متعدد از سوره، ارائه ای گزارش گونه از سوره داشته و ارتباطات بین آیات و موضوعات تبیین شود (تفاوت این مرحله با مراحل قبلی، در تاکید بر گزاره نویسی است) پس از تبیین ارتباطها، از مخاطب سوالاتی در مورد موضوع محوری سوره پرسیده شود تا به توافقی در مورد موضوع محوری سوره برسند.
- در این مرحله با توجه به اینکه کلیت سوره و نکات مهم به مخاطب منتقل شده و انس با سوره اتفاق افتاده است، در مورد وضعیت موجود و مطلوب برای او توضیح داده و او را با اصل تفکر آشنا میکنیم. و از او میخواهیم با توجه به تعاریف ارائه شده و فهم از سوره، وضعیت موجود، مطلوب و سیر از موجود به مطلوب را در سوره مبارکه علق بیان کند.
- در نهایت گزاره های طهارتی و نسخه عملیاتی هرکسی را با توجه به نیازهایی که در اثر مواجهه با سوره در او فعال شده است را بخواهیم. (رسیدن به نسخه سیر و سلوکی با توجه به سوره)

۲. طرح دوم: با توجه به اینکه سوره های کتاب سوره های بلندی هستند و گاهی خواندن مکرر سوره های بلند مخاطب را خسته کرده و کارایی را پایین می آورد:

- در جلسه اول خوانشی ابتدایی از سوره به همراه ارائه کلیاتی از سوره ارائه شود.
- هر یک از جلسات بعدی به یک دسته از آیات سوره اختصاص پیدا کرده و روشهای هر طلوع روی هر دسته اعمال و بررسی شود.
- در جلسه آخر، با تبیین ارتباطات بین موضوعات دسته های بررسی شده، به فهم کلی و دقیق از سوره برسیم.

چند نکته:

این خوانش، فشار کار با سوره بلند را برای مخاطب کم میکند.

باعث میشود در طی این چند جلسه ذهن مخاطب با موضوعات سوره درگیر باشد و انگیزه مراجعه به بخش های بعدی سوره را در او بیشتر کند.

نکاتی در مورد ارائه درس ۳ و ۴

پیشنهاداتی برای ارائه سوره مبارکه قلم:

۱. طرح اول: خوانشهایی همانند خوانشهای پیشنهاد شده برای سوره مبارکه علق در کلاس ارائه گردد:

- پخش صوت سوره
- دسته بندی سوره با همراهی مخاطبین (توضیح اهمیت این کار در مواجهه با سوره های بلند)
- خوانشهای بعدی طبق ترتیب خوانشهای پیشنهاد شده برای سوره مبارکه علق پیش رود.

نقدی که به این نحوه ارائه وارد است: در ارائه درس سوره مبارکه علق چون کلیتی از کتاب را ارائه میدهد، خوانشهای پنجگانه مفید و موثر خواهد بود ولی بنظر میرسد برای سوره مبارکه علق، کاربردی نباشد. چون این سوره تعداد آیات زیادی دارد و ممکن است مدیریت آن خوانشها برای این سوره وقت زیادی ببرد و از طرف دیگر تمرکز این درس بر تبیین اهمیت نقش قالبهای ادبی و بیانی در فهم سوره است و باید این تاکید، در خوانشها نمایان گردد.

۲. طرح دوم: سوره مبارکه قلم با خوانش های زیر ارائه گردد:

- در خوانش ابتدایی سوره، جریانهای سوره مشخص گردد. (بین موضوع نویسی از آیات و یافتن جریان های سوره تفاوت وجود دارد. موضوع و مولفه دیدن در آیه، مثل دیدن یک عکس است و مقطعی را به صورت جداگانه نشان میدهد ولی دیدن جریانات، امکان رویت یک سیر از حقیقت را برای مخاطب فراهم میکند. سعی در دیدن جریانات، نقش مهمی در تقویت رویت دارد. برای شناسایی جریانات لاجرم باید دیدنی های سوره را دید، برای شناسایی سیرو جریان لازم است نقطه شروع، پایان و متن این جریان را شناسایی کنیم که همگی دیدنی ها و شنیدنی های سوره هستند. یافتن جریانات، کمک میکند تا مخاطب نگاهی فرآیندی (از ... تا ...) پیدا کند و به غرض تفکر نزدیکتر شود.

نکته مهم: در این خوانش، چون نیاز به یافتن مولفه های جریان پیدا میکنیم، لاجرم از واژه و پس زمینه هم کمک خواهیم گرفت.

- در خوانش بعدی، سوره را با رویکرد بررسی و شناسایی قالبهای ادبی و بیانی مطالعه کرده و نقش این موارد را در فهم بیشتر سوره تبیین میکنیم.

۳. طرح سوم: برای ارائه سوره مبارکه قلم:

- یکبار سوره به روش مقدمات تدبیر برای مخاطب ارائه گردد.
- در این خوانش، سوره را با محوریت داستان ارائه دهیم. در ادامه، سوالات مطرح شده با محوریت داستان در کتاب را در کلاس مطرح کنیم. اینگونه میتوان به خوبی ارتباط بین موضوعات سوره را تبیین کرد و فهم خوبی از سوره بدست آورد. داستان، حقیقتی را در حین جریانی تبیین میکند و در این خوانش به خوبی میتوان از این ویژگی داستان استفاده کرد.

پیشنهاداتی برای ارائه داستان در سوره مبارکه قلم:

- داستان را ابتدای خوانش جلسه دوم مطرح کرده و با محوریت آن سایر آیات و جریانهای سوره را بررسی کرد و سپس سوره را براساس قالبهای ادبی و بیانی مطالعه کرد.
- داستان را طبق نظم آیات سوره و زمانی که به آن رسیدیم بررسی کنیم.
- در خوانش ابتدایی از داستان گذر کرده و خوانشی جداگانه را به داستان ارائه دهیم.

پیشنهاداتی برای ارائه درس سوم^۲

۱. در حین ارائه سوره به توضیح اهم مطالب این درس پرداخته شود.

۲. جلسه اول، سوره گفته شود. در ابتدای جلسه دوم، توضیحی از روش داده شده و سپس سوره را بر اساس روش، خوانش کرد.

نکته: لازم نیست برای همه جریانها، هر قالبی که وجود دارد را بیان و بررسی کنیم. در سوره مبارکه قلم همه قالبهای ادبی و بیانی آمده است. مهم این است در هر جریان، روی قالبی تمرکز کنیم که در فهم آن جریان نقشی اساسی دارد و تنها آن را توضیح دهیم. اینگونه مخاطب نقش هر یک از قالبها را در فهم سوره، متوجه میگردد.

خوانش سوره مبارکه قلم با رویکرد بررسی قالبهای ادبی و بیانی

- آیه ۱: قسم و آیات ۲ تا ۴: جواب قسم

آن چیزی که به آن قسم خورده میشود با عظمت است و جواب قسم چیزی است که باورپذیری آن برای مخاطب سخت است.

در جواب قسم از جملات اسمیه استفاده شده است که نشان دهنده ثبوت در آن مورد است و در اینجا نشان میدهد که صفات پیامبر در وجود ایشان تثبیت شده و همیشه به همین شکل بوده است. (تاکید بر این موضوع در کلاس لازم است: مهم است که وجود حضرت رسول در ذهن ما اینگونه تصویر شده باشد)

قالب ادبی این آیات، انشایی است.

قالب بیانی این آیات، جدل است. جدل زمانی به کار میرود که متکلم قصد دارد موضوعی را کِش دهد! تا برای مخاطب روشن گردیده و با او اتمام حجت کند.

- آیات ۵ تا ۷:

در این آیات با یک دو تایی مواجه میشویم: پیامبر و مشرکان

در آیه ۵، فعل در آینده رخ میدهد که انسان قطعاً به چیزی علم پیدا میکند و آن، قانونی است که در آیه ۷ به آن اشاره شده است: اینکه علم نزد خداست.

قالب ادبی این آیات، جملات خبری و جمله اسمیه است (جمله اسمیه بیان کننده قوانین و حقایق ثابت است)

قالب بیانی، جدل است.

• آیات ۸ تا ۱۶:

قالب ادبی این آیات، انشایی است.

قالب بیانی، نهی است: به واسطه علمی که خداوند دارد پیامبر باید اموری را انجام ندهد. اینکه پیامبر نهی شده اند به این معنا نیست که ایشان تمایل به اطاعت از کفار داشته و خداوند ایشان را نهی کرده است بلکه نشان دهنده قرائت این حقیقت در عالم توسط حضرت رسول است.

نکته: اوامر و نواهی به پیامبر در قرآن، واقعی نیست و تنها نشان دهنده قرائت ایشان از حقایق و عملکرد ایشان است و این به دلیل اینست که بین علم و عمل ایشان فاصله ای وجود ندارد. امر و نهی زمانی واقعی میشود که بین علم و عمل فاصله باشد و متکلم با امر و نهی ای که میکند میخواهد این فاصله را در مخاطب از بین ببرد. ولی حضرت رسول چون عبد کامل است در همه حال بر مبنای حکم رب عمل کرده و فاصله ای بین علم و عمل ایشان وجود ندارد. (فاصبر لحکم ربک: پیامبر همیشه در پی حکم رب و عمل به آن است)

• آیات ۱۷ تا ۳۲:

قالب بیانی این آیات، قصص است: سیری میدهد برای فهم موضوعی

در این آیات مجموعه ای از قالبهای ادبی وجود دارد ولی بنظر میرسد بهتر است روی قالب داستان، تاکید شود تا در خوانش پیشنهادی بعدی که خوانش سوره با محوریت داستان است، اهمیت موضوع برای مخاطب روشن باشد.

• آیه ۳۳:

قالب ادبی آیه، اسمیه است: نشان دهنده یک قانون و حقیقت ثابت در عالم است.

• آیه ۳۴:

قالب ادبی این آیه اسمیه است: تقوا از بین برنده تلخی آیه قبل است!

• آیه ۳۶:

قالب این آیه، استفهام است: توجه به عدم تفاوت، در این آیه مورد تاکید است.

• آیات ۳۶ تا ۴۱:

قالب بیانی این آیات، جدل است: قالب جدل، راه های مختلف بهانه جویی در مخاطب را رد کرده، موضوع را برای او روشن کرده و با او اتمام حجت میکند.

در این آیات از قالب استفهام استفاده شده: برای برانگیختن بیش از پیش توجه در مخاطب

همچنین جملات اسمیه در این آیات استفاده شده: بیان قوانین و حقایق ثابت

• آیات ۴۲ تا ۴۴:

این آیات در قالب خبری بیان شده است.

در این آیات از جملات فعلیه استفاده شده: حال مجرم در زمانی خاص را مطرح میکند. (از جملات فعلیه برای واقعه خوانی استفاده میشود)

در آیه ۴۴ از قالب امر و انشایی استفاده شده است: نتیجه فعل آیات قبلی را در قالب انشایی برای پیامبر بیان میکند.

• آیه ۴۵:

این آیه در قالب جمله اسمیه بیان شده: قانونی ثابت را نشان میدهد.

• آیات ۴۶ و ۴۷:

استفهام

جدل

• آیات ۴۸ تا ۵۰:

در این آیات از قالب مَثَل استفاده شده است: ماجرای حضرت یونس را بعنوان مثلی برای بیان یک حقیقت بکار برده است.

حضرت یونس، مَثَل صبر در قرآن هستند و در اینجا به پیامبر گفته میشود که تو به آن سطح نمیرسی که مجبور شوی قومت را ترک کنی تا آنها ایمان آورده و از ضلالت برگردند. (استفاده از گزاره های کتاب برای رفع ابهام این بخش توصیه میشود)

• آیه ۵۱:

جمله فعلیه است: وقوع امری را نشان میدهد.

• آیه ۵۲:

در قالب جمله اسمیه، قانونی را مطرح میکند.

ارتباط دو آیه آخر با غرض سوره: نهایت معارضه با پیامبر را نشان میدهند. خُلُق، ملکه نفسانی است که در رفتارها بروز میکند پس دشمنی آنها به اندازه ای بوده است که حتی در چشم و نگاهشان هم بروز یافته است.

در واقع در این آیات، علت دفاع اولیه در سوره را مطرح میکند و نشان میدهد چنین جریانی، حضرت را مجنون خوانده اند.

نکته: تمایز رسول با آنها، برخورداری از نعمت ذکر بوده است ولی آنها علت این تمایز را جنون دیدند! (ذکر، غیرممنون و نامتناهی است و کلامی خاص است و اثرات خاصی دارد و به همین دلیل آن را جنون خواندند)

نکته: تغییر در قالبهای آیات و توجه به آن، نقش مهمی در فهم سوره دارد. هر یک از قالبها، موقعیتی را ترسیم کرده و توجه به قالبها علم به آن موقعیت را برای ما فراهم میکند. توجه به قالبها، به ما در خوانش موقعیتهای مختلف سوره و رسیدن به فهم بالاتری از سوره کمک میکند. مهم است که برای مخاطب، نقش این قالبها در فهم بهتر سوره، تبیین گردد:

• جملات فعلیه، عملی را در دنیا یا آخرت نشان میدهند. (چگونگی ها)

• جملات اسمیه، باورها و قوانین زندگی را بیان میکنند. (چرایی ها)

• جملات خبری برای بیان قوانین و توصیفها بکار میرود.

برای ارائه سوره مبارکه مدثر پیشنهادات زیر ارائه شده :

- خوانش آیه به آیه با توجه به ترجمه
- خوانش به همراه دسته بندی آیات سوره با مشارکت مخاطبین : لازم است در حین دسته بندی، موضوعات آیات هم ثبت شود. در حین این خوانش لازم است مولفه های هر دسته به ویژه واژه ها مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به اینکه روش درس، پس زمینه است، پیشنهاد میشود به شان نزول و روایت در این خوانش اشاره شود و سایر بخشها را در خوانش بعدی مورد توجه قرار داد.

- خوانش سوره با توجه به پس زمینه

دیدن پس زمینه ها مانند رفتن به خواستگاری است! در این جلسات علاوه بر صحتهایی که انجام میشود، محیط خانه، نحوه چیدمان، نوع وسایل و در فهم و نتیجه گیری به ما کمک میکند. برای یافتن پس زمینه در سوره باید در جایگاه شخص ثالث قرار بگیریم و سوره را رویت کنیم.

استخراج پس زمینه با توجه به ۵ محور اتفاق میفتد:

۱. توجه به مکی و یا مدنی بودن سوره

۲. توجه به قوانین سوره : قوانین سوره، حال و هوای سوره و انتظار ما از سوره و مولفه هایی که باید به دنبالشان باشیم را مشخص میکنند. در واقع قوانین سوره، بستر سوره و مختصات آن را مشخص میکنند. که در ادامه باید نسبت موضوعات سوره را با این بستر شناسایی کرد.

۳. توجه به واژگان مختص سوره : کلیدواژه هایی که تنها در آن سوره ذکر شده اند مانند مدثر

۴. گفتگوهای سوره: گفتگوهای مختلفی که در سوره وجود دارد

۵. بهشت و جهنم سوره : فضای ترسیم شده از بهشت و جهنم در هر سوره، فضای مومنین و کافرین سوره در دنیا را هم نمایان میکند. برای فهم این پس زمینه از واژه های بکار گرفته شده و با توجه به شان نزول و پس زمینه کلی سوره میتوان بهره گرفت. مثلا جهنم سوره مدثر به گونه ای ترسیم شده که رهایی از آن ممکن نیست پس کافر این سوره برای خودش امکان رهایی قائل بوده است.

نکته : از طلوع سوم به بعد کتاب، طبق این دسته بندی پیش رفته است و میتوان همین ترتیب را در خوانش سوم لحاظ کرد.

نکاتی در مورد درس ۷^۹

- غایت این درس : بیان راههای فهمیدن و فهماندن چیزی، به وسیله تصویری است که از آن داریم و ارتباطاتی که بین آنها برقرار میکنیم. (راههایی که تصوراتمان و ارتباطهای بین آنها را به طرف مقابل، منتقل میکنیم). کار نطق، قول و کلام، تفهیم و تفهم است.
- ارتباط این درس با دروس قبل : کار تفکر، ارتباط دادن است. در واقع تفکر توانی است که برای فهم موضوعات از یافتن ارتباطات استفاده میکند. در دروسهای گذشته، به تصویری دست پیدا کردیم و در این درس با نحوه جریان یافتن این تصورات برای فهم و فهماندن موضوعات آشنا میشویم. (نطق، قول و کلام)

^۴ - نقش توجه به پس زمینه های هر رخداد در تفکر / سوره مبارکه مدثر، سوره قیام

^۵ - درباره تعریف واژه

- نطق، در لایه ای اختیاری و در لایه ای غیر اختیاری است. نکته اینست که خدا از انسان میخواهد که نطقش را تادیب کرده و کاملاً خود آگاهانه باشد. همانطور که در مورد حضرت رسول میفرماید: و ما ینطق عن الهوی
 - نطق، قول و کلام همگی راههایی برای فهم و تفهم هستند و تفاوت آنها در نقطه تمرکز آنهاست:
 - ✓ در نطق، تمرکز روی آشکارسازی حاصل از ابراز است.
 - ✓ در قول، تمرکز بر روی قصد انجام کار و ابراز برای فهماندن است. قول تأکید بر باورها و تعاریف دارد.
 - ✓ در تکلم، تمرکز بر جریانی است که فهم را حاصل میکند. (جریان یافتن تصورات، برای فهم و فهماندن)
- نکته: یک پیام میتواند هم نطق، هم قول و هم تکلم باشد. نوع پیام (نطق، قول و یا تکلم) بسته به غرض و تمرکز فرد ابرازدهنده است.

- صفحه ۱۶۴ کتاب روشهای تفکر در قرآن:
 - ✓ نقش تفکر در نطق، به سان مدیری است که اختیار چگونگی استفاده از امکانات فوق را داشته و آنها را مدیریت میکند: **تفکر عامل تادیب و آگاهانه کردن نطق است** (همان غایتی که خداوند برای انسان قرار داده است)
 - ✓ کلمات، واحد فهم هستند.
 - ✓ ما به این علت، منطقی میخوانیم تا بتوانیم از وسایلی بدیهی برای رسیدن به فهم مشترک استفاده کنیم. منطقی یعنی هنر رسیدن به بهترین نتیجه برای رسیدن به تفاهم
 - ✓ چون واحد فهم، کلمه است پس باید برای رسیدن به فهم مشترک، به کلمات مراجعه کرده و از این راه به فهم مشترکی برسیم.
- نکته: قرآن حقایق را نطق میکند و ما برای رسیدن به فهم مشترک از آن باید از فهم کلمات آن شروع کنیم. (رسیدن به نطق مطابق با قرآن)
- ✓ تعریف کلمه، ماحصل رفت و آمد بین ما فُهم (فهم از لفظ) و ما صدق (مصادیق) است. برای رسیدن به تعاریف کلمات قرآن باید این تعاریف را از خود قرآن، پیدا کرد.

• صفحه ۱۶۶ کتاب روشهای تفکر در قرآن:

اصل، غرض و غایت، تعریف و معنای کلمه است و نه لفظ. باید با توجه به تعریف کلمه به غرض و غایت متکلم رسید. جمود در الفاظ، سبب عدم فهم میشود.

نکته: لزومی ندارد بخشهای ابتدایی درس هفتم برای مخاطب ارائه گردد. بخشی که لازم است به مخاطب ارائه گردد، تعریف کلمه و تبیین نقش آن در تفهیم و تفهم در جهت بیان علت مراجعه به لغتنامه التحقیق و سایر کتب لغت است. (این بخش از درس هفتم، در ارائه سوره مبارکه کافرون هم نمود پیدا کرده است)

نکاتی در مورد ارائه درس ۸^۱

پیشنهاداتی برای ارائه سوره مبارکه کافرون:

۱. جلسه اول

- خوانش اول: پخش صوت سوره

- خوانش دوم: مطالعه سوره و موضوع یابی
- خوانش سوم: مطالعه سوره بر اساس قالبهای ادبی و بیانی
- خوانش چهارم: مطالعه سوره بر اساس پس زمینه ها

۲. جلسه دوم

- در ابتدا توضیحی در مورد اثر واژه شناسی در فهم سوره داده شود. (توضیحات صفحه ۱۸۵)
 - خوانش اول: بر اساس بررسی واژگانی: دو واژه به صورت نمونه در کلاس تمرین گردد و دو واژه دیگر بعنوان تکلیف به مخاطب واگذار شود.
 - خوانش دوم: بررسی روابط واژگان: در خارج از سوره (بررسی ارتباط کلی واژگان با هم) و در خود سوره (فهم سوره و حرکت در چارچوب سوره و اینکه چه اشتقاق و قالبهایی برای این واژه در سوره بکار برده شده است)
- نکته: بخش ابتدای درس هشتم، در کلاس مطرح گردد: تبیین نقش برائت در فعالسازی تفکر، باید انجام گیرد.
- نکته در تحلیل عقلی واژه:

- ✓ برای تسهیل، پیشنهاد میشود واژه ها را به قیود تشکیل دهنده آن تقسیم نکرد و بطور کلی برای واژه، مقدمه و لوازم و آثار نوشت.
- ✓ برای نوشتن مقدمه، لوازم و آثار هر قید میتوان از لغتنامه کمک گرفت.
- ✓ برای تسهیل تشخیص مقدمه، لوازم و آثار، بهتر است قیود و کلمه را به شکل فعل در نظر گرفت.

نکاتی در مورد درس ۷۹

- گزاره راجع به چیزی (موضوع) مطلبی را بیان میکند (محمول) و حکمی بین این دو را بیان میکند.
 - حمل اولی: فهم دو حالت برای خود یک شیء را حمل اولی گویند. (بودن یا نبودن آن شیء) حمل اولی در فهم نسبت به آن شیء بسیار کمک کننده است. (مثلا اینکه رسول رسول است و غیر رسول، رسول نیست) در عین اینکه این مطلب بدیهی بنظر میرسد ولی باید بدانیم که پایه خیلی از کج فهمی های ما از قرآن به دلیل عدم تصدیق همین فهم است. چون این فهم، پایه همه فهم هاست.
- این فهم از هر شیء در اثر خوب دیدن و خوب شنیدن مولفه های سوره باید بدست آمده باشد (فهم تمایز بین مولفه ها) باید توجه داشته باشیم که ما در گزاره نویسی به دنبال ایجاد ارتباط بین این فهم و فهم های ناشی از آن هستیم. در واقع دیدنی ها و شنیدنی ها (تصورات خیالی) را به دانستی (جملات علمی ملموس) تبدیل میکنیم.
- هرچقدر درجه گزاره ها بالاتر رود، ما به نتیجه مدنظرمان نزدیکتر میشویم. این نتیجه میتواند غرض سوره، یک باور، یک عمل و یا پاسخ یک سوال باشد. و نوع این نتیجه، بستگی به حد وسطی دارد که در نظر میگیریم.
 - فهم موارد اشاره شده در صفحه ۲۰۱، کمک به شناخت انواع احکامی که میتوان در اسناد صادر کرد، است. در واقع جمله اسنادی قصد دارد از حکمی پرده برداری کند و دانستن این مطالب و توجه به آنها به تشخیص بهتر کمک کرده و در تصحیح گزاره ها و دانستی بسیار راهگشاست. و نکته مهم دیگر اینست که هرچقدر این موارد در گزاره نویسی لحاظ شود، تبدیل کردن دانستی ها به عمل، سهل تر خواهد شد.^۸

^۷ - درباره گزاره

^۸ - لازم نیست این مطلب به قرآن پژوه ارائه شود ولی مربی حتما باید این موارد را بداند تا بتواند گزاره های قرآن پژوهان را تصحیح کند.

- در صفحه ۲۰۲ گفته شده: هر قدر انسان بتواند به کاربرد این جملات و نقش آن در ادراکات و تصمیماتش پی ببرد، بطور طبیعی از قدرت تفکر و نطق بیشتری برخوردار خواهد بود: جملات خبری، بیشتر قانون را نشان میدهند ولی عمل، از جنس انجام دادن کاری است. عمل ماحصل مجموعه ای از جملات و گزاره هاست و هر چه به عمل نزدیک میشویم، جملات خبری کمتر شده و به سمت انشایی حرکت میکنند.
- در مورد حد وسط: حد وسط لزوماً کلمه مشترکی بین گزاره ها نیست بلکه میتواند موضوع مشترکی بین آنها باشد.

برای شناسایی حد وسط، خیلی مهم است موضوع و محمول هر گزاره شناسایی شود. و نکته مهم اینست که حد وسط، موضوع یک گزاره و محمول دیگری باشد. اگر اینگونه نباشد، حد وسط را بر اساس یک گزاره ذهنی مینویسیم و اینگونه به موضوع جدیدی در گزاره درجه دوم نمیرسیم.

- فایده فهم گزاره نویسی درست در زندگی چیست؟ هر لغزش و اشتباهی که در زندگی اتفاق میفتد ناشی از اشتباه در هست و نیستها توسط انسان است. که انحراف در باور و رفتار را ایجاد میکند. به همین دلیل فهم گزاره ای در زندگی بسیار مهم است. مثل اینکه دو گزاره کاملاً نامربوط را در زندگیمان کنار هم گذاشته و نتیجه نادرست حاصل را مبنای رفتار و عمل خود قرار میدهیم.

گاهی از رفتار و اعمالمان میفهمیم که باورمان اشتباه بوده و یا گاهی از گزاره های نادرستی که استنتاج کردیم، رفتار و عملکرد منحرف را متوجه شده و پیش بینی میکنیم.

خیلی اوقات، سوء تفاهمات ناشی از همینجاست. تعاریف اولیه متفاوت است، در صورتیکه در درس قبل فهمیدیم که باید اول تعاریف را یکی کنیم و بعد شروع به استنتاج های بعدی کنیم. به همین دلیل گفته شده که حمل اولی (فهم هست و نیست هر شیء) پایه همه فهم هاست.

نکاتی در مورد درس ۱۰ و ۱۱

سور مبارکه فیل و قریش

بسته به سرعت کلاس و همراهی قرآن پژوه، میتوان این درس را در یک یا دو جلسه ارائه کرد:

- پخش صوت سوره
- یافتن مولفه های سوره (ظاهر، قالبها، پس زمینه و واژه ها)
- گزاره نویسی از مولفه های شناسایی شده
- نوشتن گزاره های درجه دوم از گزاره های درجه اول، تصحیح و توضیح در مورد نحوه یافتن حد وسط

نکاتی در مورد درس ۱۲

- نمودار، ماحصل گزاره نویسی است. ربط مولفه ها توسط گزاره مشخص می شود و این ربطها توسط نمودار نمایش داده می شود. تا موضوع نویسی از سوره اتفاق نیفتد و ارتباطات در قالب گزاره بیان نشود نمی توان نموداری از سوره ترسیم کرد.
- پیشنهاد می شود، قرآن پژوهان اول گزاره نویسی از سوره کنند و سپس با توجه به یافته هایشان نموداری ترسیم کنند.
- باید توجه داشت که اصل نمودار کشیدن مرتبط با ترم های مکی و مدنی است و ماحصل کتاب روشهای تفکر فهم این موضوع است که نمودار چه جایگاهی دارد. در این دوره کفایت جایگاه مطالب نسبت به همدیگر و اولویتها و ارتباطها شناسایی شود. بیشترین تمرکز روی گزاره نویسی باید باشد. پیشنهاد می شود در حین خوانشهای سوره در کلاس از مخاطب خواسته شود فهم خود را در سوره در قالب نمودار ترسیم کند و سپس به نمودارهای کتاب مراجعه کند. با این روش، خودش سعی در شناسایی روابط (گزاره ها) کرده است و سپس در مقایسه با کتاب نواقص کارش را شناسایی می کند.

⁹ - سوره مبارکه فیل، سوره توجه به اراده خدا/ سوره مبارکه قریش، سوره شناخت نعمت و وظیفه

- صفحه ۲۳۷: پس زمینه روح کلی حاکم بر سوره است. در نمودارهای مولفه ای، حتما باید این روح کلی در نظر گرفته شود. در نمودار مولفه ای، همه جوانب سوره نمایان می شود و پس زمینه حکم نخ تسییحی را دارد که این مولفه ها را در کنار هم جای می دهد. در حالیکه در نمودار موضوعی، از پس زمینه استفاده نمی شود بلکه ارتباطاتی که ذیل آن موضوع است، تنها مدنظر قرار می گیرد چون در نمودار موضوعی به همه جوانب سوره پرداخته نمی شود.
- در رسم نمودار باید گزاره های باید و نبایدی (حوزه عملی) از گزاره های هست و نیستی (حوزه باورها و قوانین سوره) تفکیک کرد. نحوه نمایش این مهم، بستگی به نوع نموداری است که ترسیم می شود و سیر موضوعات سوره و جایگاه باورها و رفتارها در آن است.

نکاتی در مورد درس ۱۳۱۱

- تفاوت بین برائت و حصر: در برائت، وقتی از چیزی دور می شویم به نقطه مقابل آن نزدیک می شویم. برائت به ما کمک می کند که به گزاره های یقینی برسیم و دو طرف یک موضوع را شناسایی کنیم. حصر، نفی و تاکید را بیان می کند. چیزی را کاملا نفی می کند (لا اله) و وجه دیگر را تاکید حداکثری می کند. (الا الله) در واقع بیان می کند که اگر این منع و تاکید نباشد، قدرت تشخیص حق را به طور کامل و یقینی نخواهد داشت.
- برای اینکه انجام کارهایی که دین گفته برای انسان سخت نباشد باید دو باور را مدام با خودش تکرار کند: رویت خدا و قدرت و تسلط خدا بر همه چیز. (باید به قدرت حصر در این موارد برسد تا عمل کردن بر اساس احکام الهی برایش سخت نباشد) آیات ۵ و ۷ سوره، حکم بستر و زمینه عمل در سوره را دارند.
- معنای خلق انسان در کبد: انسان برای رفع هر نیازش باید مشقت و سختی بکشد ولی در بهشت همان لحظه که اراده کند، آن را خواهد داشت. در واقع این سختی به نسبت اراده کردن آن چیز و رسیدن به آن، معنا پیدا می کند. در عالم خلق به واسطه مادی بودن، مشقت و سختی هایی برای رسیدن به آنچه که اراده می کند دارد چون نیاز به مجهز شدن و آماده کردن مقدماتی دارد.

عدم فهم مفهوم کبد، از نداشتن تصویر درستی از آخرت ایجاد می شود.

حضرات ابراهیم و اسماعیل، سختی هایی را متحمل شدند تا مکه، بلدی قسم خوردنی شد. بنابراین برای کسب هر چیز ارزشمندی نیاز به سختی کشیدن است و البته طبق سوره مبارکه بلد، سختی هایی جهت مند.

پیشنهاد ارائه سوره مبارکه بلد:

- پخش صوت سوره
 - توضیح مختصری در مورد فضای کلی سوره (نعمتها، باورها، قوانین و دسته بندی انسانها): نتیجه این توضیح کلی رسیدن به این حقیقت است: لزوم انتخاب سختی های نتیجه بخش.
- لازم است در این خوانش، بیشتر روی واژه های اصلی سوره مانور داده شود و ربط آیات اشاره ای نمی شود تا قرآن پژوه در خوانش های بعدی در طی دسته بندی آیات و ترسیم نمودار، خودش ارتباطها را بیابد.
- دسته بندی آیات سوره و یافتن ارتباط بین موضوعات و آیات: از قرآن پژوه می خواهیم ارتباطات شناسایی شده را در قالب گزاره هایی بیان کند.
 - بسته به وقت و سطح قرآن پژوهان از آنها خواسته شود فهم خود از سوره را در قالب یکی از انواع نمودار ترسیم کنند.

نکاتی در مورد درس ۱۲۴

نکاتی برای ارائه سوره مبارکه ملک:

- پخش صوت سوره
- خوانش ابتدایی سوره و ارائه تصویری کلی:

✓ آیات ۱ تا ۵:

سوره با جریان تبارک شروع شده و در ادامه این جریان را باز می کند. و این یک اصل است که کسی می تواند این فزونی را ایجاد کند که مالکیت در دست او باشد. (ملک) و در عین حال باید قدرت این کار را هم داشته باشد. (قدیر)

یکی از غرض های سوره رسیدن به احسن عمل است که در آیه ۲ مشخصا به آن اشاره شده است. یکی دیگر از غرض ها رسیدن به ادراک است که در جای جای آیات سوره به اهمیت ادراک اشاره می کند. وجودی این بستر را ایجاد کرده است که صاحب عزت است و هیچ جای خالی ای ندارد و اگر هم کوتاهی ای در این مسیر اتفاق بیفتد می تواند برای انسان جبران کند چون او غفور است.

فرآیند موت و حیات را می توان مرگ و زندگی خدا گرفت و اینکه این زندگی تمام شدنی است و زندگی دیگری پس از آن است. هم می شود آن را پایان و آغاز هر کاری در نظر گرفت، اینکه هر برهه ای از زندگی پایانی دارد و مرحله بعدی آغاز می شود.

از آیه ۴ که بحث بصر را مطرح می کند، توجه به ادراک شروع شده است.

آیه ۵: آسمان محل وحی است و وحی از دسترسی شیاطین مصون مانده است.

✓ آیات ۶ تا ۱۲: پس زمینه، انزال وحی و انذار نذیر است. و نسبت انسانها را با این پس زمینه مطرح می کند.

نکته جالب است که عذاب الذین کفروا را از جنس سمع مطرح کرده است. سمع او محروم شده است از شنیدن خوبی ها در آنجا چون در آیات بعدی می گوید، سمع خود را در دنیا فعال نکرده است.

در آیه ۱۰ سه مولفه ادراک دیگر را مطرح می کند: سمع، عقل و نذیر (انسان باید در زندگی گوش بدهد یا از مسیر دیدن و شنیدن عقلش را فعال کرده باشد): نسبت سمع و عقل با انذار در دنیا مهم است.

✓ آیات ۱۲ و ۱۴:

سطح مشاهده الذین یخشون خیلی بالاست. اینها توانسته اند انذار و وعید رسول را مشاهده عقلی کنند و به آن ایمان بیاورند. (بالغیب)

در آیه ۱۳، پس زمینه این است که ممکن است انسانها در مواجهه با انذار برخوردهای متفاوت داشته باشند و با این پس زمینه تاکید می کند که هرچه باشد بروز شما، خدا بر صدور شما آگاه است.

لطیف یعنی به جزئیات رحمت می دهد و خبیر به جزئیات علم دارد. پس چنین وجودی مشخصا می داند که کجا چه چیزی می گذارد. (علم خدا و اثر آن بر زندگی ما) خیلی اوقات عملکرد ما نشان نمی دهد که خدا می داند هر چند که علم داشته باشیم که خدا می داند. و در ادامه آیات، لطیف خبیر بودن خدا را باز می کند تا علم ما تبدیل به ایمان شود.

✓ آیات ۱۵ تا ۲۲:

در این سوره موضوع انذار خیلی مهم است و مواردی که قید می کند نکاتی است که در حالت عادی اتفاق نمیفتند. و این مهم است که بدانند اینها از خداست و این کارکرد نذیر است.

تمام احتجاجات را با مثلی در آیه ۲۲ به پایان می رساند. تفاوت کسی که دید دارد و افق مشخصی دارد و کسی که تنها جلوی پای خودش را می بیند. (این مثل قابلیت این را دارد که هم سوره با آن ارائه گردد)

✓ آیات ۲۳ تا ۳۰:

در این آیات به احتجاج‌های آیات قبل پاسخ می دهد و بسته ادراکی سوره را کامل می کند. (سمع، ابصار و افنده)

مومن قدرتی دارد که در عین اینکه رویت حسی ندارد ولی رویت عقلی کرده و ایمان می آورد (آیه ۱۲) ولی کافر تنها رویت حسی دارد و به همین دلیل از رسیدن وعده قیامت می پرسد (آیه ۲۵) یک عذاب خواهی سریع با طعم تمسخر!

در آیات قبلی مدام بحث ایمان را مطرح کرده (اامنتم) و در آیه ۲۹ پیامبر اعتراف به ایمان می کنند. ادراک و علمی که تبدیل به ایمان شد.

آب در عالم چرخه تبارک دارد و به همین دلیل در آیه ۳۰ از مثل آب استفاده کرده است. و نکته جالب اینست که در همه این موارد اسم رحمان را مطرح کرده و پدیده‌های عام و رحمت عام را برای فهم مطرح کرده است. انگار باید این قوانین و حقایق با رویت حسی فهم شود و در چرخه ای موت و حیاتی لازم است در ادامه به منشا این علم و قوانین توجه شود که این کار انذار است و انسان با توجه به انذار، علمش تبدیل به ایمان شود.

- پیشنهاد می گردد این سوره به عنوان تمرین یا آزمون پایانی دوره به قرآن پژوهان داده شود تا تمام روشها را در آن پیاده کنند. و سپس در جلسه پایانی رفع اشکال انجام شود.